سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

ضمیمه ۸۸

سال دوم - دوشنبه ۱۵ دی ۱۳۵۹

پیام کمیته مرکزی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به سازمان مجاهدین خلق ایران و پاسخ به یاوه‌گویی های رویزیونیستهای فدایی (اکثریت)

مقدمه:

اخیرا رویزیونیستهای سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) خطاب به سازمان مجاهدین نامه‌ای نوشته و مذبوحانه کوشیده‌اند با مساعدگیری ارتجاع حاکم و با اصطلاح ضدامپریالیسم نشان دادن خود، به توطئه علیه جنبش دست زده و سازمان مجاهدین را هدف یورزواری و چپیه ارتجاع بگذارند. این امر ما را برآن داشت تا بنوبه خود علیه این توطئه ضدانقلابی برخیزیم و یکبار دیگر چهره کریه رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) را افشا کنیم.

پیام ما به سازمان مجاهدین خلق در عین حال که حاوی افشای ماهیت ضدانقلابی فداییان اکثریت میباشد، در برگیرنده ضدارتباط سازمان مجاهدین نیز هست. ما بثبعیت از سیاست کمونیستی خود در قبال نیروهای ضدامپریالیست، در همان زمان که سازمان مجاهدین را در کنار خود و در جبهه خلق و انقلاب میدانیم و از این نیرو در برابر حملات ضدانقلابی ارتجاع و رویزیونیستها پشتیبانی می‌نمائیم، اما در عین حال سیاستهای انحرافی مجاهدین را در عرصه‌های مختلف و بویژه در برخورد به بورژوازی لیبرال مورد انتقاد قرار میدهیم. ما در این پیام نشان میدهیم که با اصطلاح مبارزه ضد لیبرالی رویزیونیستهای فدائی چیزی جز شیادی و عوامفریبی نبوده و آنان از اوج‌گیری جنبش بوحشت افتاده و سهمگین خاطر به توطئه علیه جنبش اقدام نموده‌اند. اما در عین حال نشان میدهیم که این مرزبندی اصولی علیه رویزیونیستها، به معنای انحراف مجاهدین در قبال لیبرالها نمیباشد. مجاهدین میکوشند این مسئله اساسی را مسکوت گذارند، اما ما هرگز انحراف مجاهدین را بلحاظ مصالح جنبش خلق مسکوت نخواهیم گذاشت ما از سازمان مجاهدین خلق بمثابه یک سازمان ضدامپریالیست میخواهیم تا به این مسئله پاسخ گفته و مرزبندیهای خود را نسبت به لیبرالهای خائن اعلام دارد. منافع جنبش دمکراتیک و ضدامپریالیستی خلقهای کبیر ایران میطلبد تا مجاهدین خلق بمبارزه علیه لیبرالهای ضدانقلابی بمثابه جزئی از مبارزه علیه کل رژیم حاکم دست زده و درگسترده‌تر شدن این جنبش بکوشند. عدم پاسخگوئی عملی بچنین ضرورتی جز صرفه بمنافع حلقهای ایران و انقلاب توده‌ها چیز دیگری نخواهد بود.

کمیته مرکزی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۱۰/۱۱

اوجگیری جنبش توده‌ها و وحشت ارتجاع

در جامعه ما مبارزه طبقاتی بیش از پیش اوج میگیرد. بحران سیاسی - اقتصادی که در یک مقطع از تکامل خود منجر به سقوط رژیم سلطنتی شاه خائن گردید، پس از رفراندوم و بافته و اینک ابعاد بیسابقه‌ای بخود گرفته است. سیستم گندیده سرمایه‌داری وابسته حاکم و ماهیت ارتجاعی هیات حاکمه نمیتوانست فقر و فلاکت روزافزون توده‌ها را دامن نزند و این امر بنوبه خود نمیتوانست بر نارضایتی ها و اعتراضات توده‌ها نیافزاید. اما در مقابل رشد نارضایتها رژیم حاکم چه پاسخی میتوانست بدهد؟ رژیم حاکم بنا به ماهیت طبقاتی خود و با توجه به ملزومات نظام حاکم راه دیگری نداشت جز تشدید ستمگری و سرکوب. ولی آیا سرکوب میتوانست چاره‌ای در برابر بزرگی نکبت بار توده‌ها قرار دهد؟ هرگز! برعکس تشدید استثمار و سرکوب توهم توده‌های هرچه وسیعتری را فروریخته و آنها را به میدان مبارزه طبقاتی سوق میداد. توده‌ها در زندگی خود رژیم را تجربه میکردند و تجربه آنان گامبه‌گام امیدهای عبث را نابود میساخت. توده‌ها از خود می‌پرسیدند: "آیا رژیم جدید ما را خوشبخت خواهد کرد؟" "اما ادامه محرومیت‌ها و افزایش ستمگری رژیم پاسخ منفی به این سئوال میداد. توده‌ها در ابتدا با ناباوری و سپس با قاطعیت بیشتر در می‌یافتند که رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند و نمیخواهد در راه منافع زحمتکشان حرکت نماید. آری تجربه خود توده‌ها و فعالیت آگاهگرانه نیروهای انقلابی و کمونیست توده‌ای هرچه بیشتر را به عرصه مبارزه طبقاتی میکشاند. در گذشته مبارزه مسلحانه در کردستان، مبارزه مسلحانه در ترکمن - صحرا، مبارزه انقلابی در دانشگاه، مبارزه شورائی و اعتصابی در کارخانه و ... نمونه‌های مشخصی از تداوم و رشد مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی بود. و امروز نیز این مبارزه ادامه دارد. بخصوص آنکه فلاکت ناشی از جنگ ارتجاعی ایران و عراق توده‌ها را به محرومیت بیشتری کشیده و این امر نه تنها به گسترش مبارزه آوارگان جنگ منجر میگردد، بلکه بویژه مبارزه طبقاتی را در سراسر ایران ابعاد جدیدی خواهد بخشید.

در حال حاضر جامعه ما در اعتلاء بسر میبرد.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

پیکار

سال دوم ضمیمه شماره ۸۸
دوشنبه ۱۵ دی ۵۹

مبارزه طبقاتی توده‌ها را در راه کسب آزادی و استقلال واقعی به جلو میبرد و در هرگام خود دورنمای جنگ داخلی را شفافتر میسازد. جنگی که در یکسوی آن توده‌های زحمتکش و نیروهای کمونیست و انقلابی و در سوی دیگر رژیم حاکم، کلیه مرتجعین و امپریالیستها قرار دارند. در چنین اوضاعی است که رژیم جمهوری اسلامی هرچه بیشتر به استیصال کشیده شده و جناحهای مختلف هیات حاکمه در برابر هم به صف‌آرائی پرداخته‌اند. اگرچه کل جناحهای رژیم در برابر سازش سیستم سرمایه‌داری وابسته و در سرکوب جنبش خلق و نیروهای انقلابی و کمونیست با یکدیگر توافق دارند، اما آنان در چگونگی پاسازی و چگونگی سرکوب اختلاف داشته و منافع خاص هریک از جناحها، در گیری آنان را بر سر میزان قدرت افزوده است. جنگ قدرت از هر دو سو هیئتی ارتجاعی داشته، چرا که در پی تامین منافع دو جناح ارتجاعی است. هیچیک از جناحهای قدرت نه خدا امپریالیست هستند و نه دمکرات. آنها مدافعین سیستم وابسته به امپریالیسم و سرکوبگر جنبش توده‌ها میباشند. امروز این جنگ قدرت به نقطه حساسی از تکامل خود رسیده است، جناح لیبرالها که از قبل امر به اینسو تا یکدوره اعمال هژمونی می نمودند، گام به گام توسط جناح حزب جمهوری اسلامی و در کنار آن خرده بورژوازی مرفه سنتی به عقب رانده شده و اینک اساسی‌ترین مواضع را قدرت را از دست داده است، در حال حاضر حزب جمهوری اسلامی با پشتیبانی آیت‌الله خمینی، عمده مواضع اساسی قدرت را در کنترل خود داشته و میکوشد تا لیبرالها را از آخرین مراکز قدرت (ریاست جمهوری و ارتش) بزیر کشیده و تحت سیاست خود بکشاند. در چنین اوضاعی جناح لیبرالها در مقابل جناح رقیب بشدت ایستادگی کرده و نه تنها میکوشد موضع خود در قدرت را تحکیم بخشد، بلکه بعلاوه در پی آن است تا با چهره دروغین آزادیخواهی، توده‌های متوهم نسبت به خود را به زیر شعارهای خود کشیده و بدین ترتیب با سوار شدن بر جنبش توده‌ها به مصاف بلوک حزب و خرده بورژوازی مرفه سنتی برود. لیبرالهائی که در زمان قیام در سازش با امپریالیسم، قیام خلق را در نیمه راه متوقف ساختند، لیبرالهائی که یکدم از حمایت از منافع امپریالیستها فروگذار نکردند، لیبرالهائی که یک لحظه از سرکوب خلق غافل نشدند، حال در پی آن برآمده‌اند تا توده‌ها را از "استبداد حزب" نجات دهند!

اما پر واضح است که تمام جناحهای حکومت علیرغم تمام عوامفریبیهای گوناگونشان دشمنان قسم خورده انقلاب و سرکوبگران طبقه کارگر و زحمتکشان میباشند. دعوای لیبرالها و حزب دعوای دو جناح از بورژوازی و دعوای دو بخش از ارتجاع خدا انقلاب است. این دعوا نه در جهت دفاع از دستاوردهای قیام و مقابله با امپریالیسم، بلکه دعوای دو جناح ارتجاعی بر سر تقسیم قدرت سیاسی است، قدرتی که پاسدار منافع سیاسی ستمگرانه‌ای است که براساس آن سرمایه‌داران و امپریالیستها به استثمار و غارت خلق مشغول میباشند.

واقعیت این است که در اردوگاه دشمن تضادها و اختلافات بسیاری وجود دارد ولی این مسئله یک بخش از واقعیت است. بخش دیگر واقعیت اینست که همه جناحهای این اردوگاه دشمن توده‌ها بوده و از واژگیری، مبارزه توده‌ها وحشت دارند. اگر توفان مبارزه طبقاتی بلند شود، تمام پایه‌های قدرت کهن و دستگاه حکومت متعلق به جبهه خلق را بطرف سیاست خود متمایل سازند. این سیاست خائنانه جداسازی، در عین حال که هدف تضعیف جنبش را تعقیب مینماید، تحکیم جناح لیبرالها در مقابل حزبیها را نیز دنبال میکند. در مقابل آنها، حزبیها هم با شعار "امام، اسلام و مکتب" میکوشند تا از اعتقادات و توهمات مذهبی توده‌ها سوءاستفاده و آنها را در کنار خود حفظ کنند و در همان زمان در پی آنند تا در مقابله با لیبرالها نیروهای تازه‌نفس‌تری را به صفوف خود بکشانند.

● تمام جناحهای حکومت علیرغم تمام عوامفریبیهای گوناگونشان دشمنان قسم خورده انقلاب و سرکوبگران طبقه کارگر و زحمتکشان می باشند. دعوای لیبرالها و حزب، دعوای دو جناح از بورژوازی و دعوای دو بخش از ارتجاع است.

ستمگران را نابود خواهد کرد. به این لحاظ وحشت کل هیات حاکمه از همین است. به اوضاع کنونی نگاه کنیم هرچقدر مبارزه طبقاتی گسترش می‌یابد، رژیم سراسیمه‌تر و وحشت‌زده‌تر میگردد. لیبرالها به تقویت ارتش میپردازند و حزب به تقویت سپاه. پاسداران و امپریالیستها هر دو نیرو را مسلح میسازند، ارتش و سپاه پاسداران متحد کردستان را میکوبند و لیبرالها و حزب از کشتار "قه‌لاتان"ها، "ایندرقاش"ها، "موفیان"ها اشک شوق میریزند. ارتجاع میداند که جنبش در حال متمرکز ساختن نیروهای خود میباشد، ارتجاع میداند که انفجار مبارزه توده‌ها همان بلائی را به سرا وخواهد آورد که بر سر رژیم شاه آورد. آری ارتجاع اینها را میداند و نمیتواند برخورد نظرزده و به مقابله متمرکزتر علیه جنبش روی نیاورد.

در این مقابله‌جوئی با جنبش واگیرنده همه جناحهای قدرت متفق‌القول میباشند. همه این جناحها از طریق به انحراف کشاندن جنبش، جدا سازی نیروهای آن و سرکوب جنبش در پی تضعیف دشمن اصلی خود یعنی جنبش توده‌ها یعنی انقلابیون و کمونیستها میباشند. اما در راه این هدف نامقدس، هرکدام از جناحها به شیوه خود رفتار میکند و میکوشد تا تحقق این هدف در انطباق با منافع طبقاتی خود باشد. سرکوب جنبش کردستان، دستگیری و اعدام انقلابیون و کمونیستها، تشدید خفقان تحت بهانه جنگ ایران و عراق، سرکوب کارگران، آوارگان جنگ و دانش‌آموزان ... آری همه این موارد، مورد توافق هر دو جناح هیات حاکمه است حتی اگر در برخی موارد فوق با ابتکار عمل حزب باشد. اما لیبرالها با سکوت خود خوشحالی و توافق خود را به نمایش میگذارند. اما علاوه بر این برای منزوی ساختن و سرکوب جنبش، هریک از جناحهای قدرت به سیاستهائی روی میاورند که در عین حال منافع خاص هر بخش را نیز پاسخ دهد. لیبرالها با ماسک آزادیخواهی، نه تنها میکوشند توده‌ها را بسوی خود بکشند، بلکه همچنین در پی آنند تا بخشی از نیروهای سیاسی

لیبرالها سیاست جداسازی خود را بسوی سازمان مجاهدین خلق متمرکز نموده‌اند و با انواع شیادی‌ها و عوامفریبی‌ها میکوشند تا مجاهدین را در کنار خود قرار دهند. لیبرالها میدانند که سازمان مجاهدین یکی از نیروهای مهم جنبش ضد امپریالیستی خلق ماست، لیبرالها میدانند که رهبری سازمان مجاهدین از خود گرایشات لیبرالی نشان میدهد و لیبرالها میدانند که داشتن مجاهدین در کنار خود و کشاندن آنان بزیر شعارهای خود، یعنی محدودتر ساختن دامنه جنبش انقلابی میهن و تقویت موضع خود در قبال حزبیها، حزبیها اگر - چه توانسته‌اند متحدین جدیدی مانند دارو دسته امت "برای خود پیدا کنند، اما به سبب تضادها و بیگانگیهای خود جز تنفر مجاهدین را نسبت به خود نیافریده‌اند. به این لحاظ علیرغم عوامفریبی‌های کثانی چون بهشتی منفور که گفت مجاهدین "پاره تن من" هستند و یا منتظری که عوامفریبانه مطرح کرد "مجاهدین فرزندان من" هستند، سیاست اصلی حزب در قبال مجاهدین کماکان سیاست سرکوب بوده است. اما متاسفانه تزلزلات و پیگیریهای مجاهدین در قبال لیبرالهای خیانت پیشه، این امکان را بوجود آورده تا لیبرالها جرات پیدا کرده و روی مجاهدین حساب کنند.

در چنین اوضاعی است که رویزیونیستها، این نوکران بورژوازی به تب و تاب افتاده و میکوشند تا برای مقابله با جنبش توده‌ها و برای خدمت به بورژوازی سیاست جداسازی را در قبال مجاهدین پیاده نمایند. رویزیونیستها بمثابه مدافعین و نمایندگان بورژوازی از انقلاب میهراسند و میکوشند تا برای بقای سیستم در میان کارگران و خلق تفرقه اندازند، توده‌ها را تحمیق کنند و سرمایه‌داران را کمک نمایند تا بر بحران فائق آیند.

امروز در کشور ما رویزیونیستها به دو بخش اساسی تقسیم میشوند، در یکسو رویزیونیستهای خائن سه‌جهانی قرار دارند که در جهت دفاع از منافع امپریالیستهای اروپائی و آمریکا از

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

جناح ارتجاعی لیبرالها حمایت میکنند و در سوی دیگر رویزیونیستهای خائن حزب توده و چریکهای فدائی (اکثریت) جای گرفته اند که در انطباق با منافع سوسیال امپریالیسم شوروی بدفاع از جناح ارتجاعی حزب جمهوری برخاسته اند. همانگونه که حزب توده خائن پس از قیام کوشید تا دولت بازرگان را به سمت شوروی بکشاند اکثریتی ها خائن نیز درپی آنند تا با خاک پاشیدن به چشم خلق به نوکری جناحی از هیات حاکمه پرداخته و هرچه بیشتر این جناح از بورژوازی را بسوی امپریالیسم روس سوق دهند. در شرایط تشدید درگیریهای دو جناح، با توجه به این مرکه لیبرالها بسوی امپریالیسم غرب کشش داشته و میکوشند تا ایران را در مدار مناسبات تنگاتنگ با امپریالیستهای جهان - خوار روپائی و آمریکائی قرار دهند، رویزیونیستهای خائن خروشچفی مانند چریکهای فدائی (اکثریت) و حزب توده میکوشند تا با استفاده از اختلافات حزبیها با آمریکا و با میش نشان دادن گرگی بنام امپریالیسم شوروی تمایلات موجود در جناحی از حزبیها بسوی شوروی را تقویت نموده و این بخش از ضدانقلاب را بسوی شوروی نزدیک گردانند. این مرتدان چنین استدلال میکنند که لیبرالها از آنجا که پشتیبان امپریالیسم غرب میباشند ضدانقلابی اند، اما حزبیها "ضد امپریالیست" میباشند، بخصوص آنکه در میان آنان تمایلاتی بسوی شوروی موجود است. رویزیونیستهای خروشچفی با دریوزگی تمام میکوشند تا جناحی از بورژوازی را بطور کامل مشاطه گری نموده، تمام امکانات را در جهت تقویت و تحکیم آن بکار گیرند و شرایط را برای "راه رشد غیرسرمایه داری" و یا در واقع راه وابستگی به سوسیال امپریالیسم فراهم سازند.

بنابراین با توجه به چنین هدفی است که رویزیونیستهای خروشچفی به سازمان مجاهدین برخورد میکنند. آنان به انحراف مجاهدین در قبال لیبرالها برخورد می نمایند تا مجاهدین را بسوی بخش دیگر بورژوازی کشانده و بدین ترتیب به اهداف خائنانه خود نزدیکتر شوند. زاویه برخورد رویزیونیستهائی مانند چریکهای فدائی (اکثریت) نه در دفاع از انقلاب توده ها نه در جهت مبارزه با امپریالیستها و نه در راه استقلال و دمکراسی واقعی، بلکه از زاویه برخورد آنان در شرایط کنونی بخاطر مقابله با جنبش، حفظ سیستم حاکم، تقویت یک جناح از بورژوازی و خدمت به شوروی امپریالیستی است. آری نامه توطئه آمیز سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) به سازمان مجاهدین براساس چنین سیاستی قابل توضیح است.

قبل از آنکه به افشای خط مشی ضدانقلابی چریکهای اکثریت و توطئه های خائنانه آنها علیه جنبش توده ها و نیروهای کمونیست و انقلابی و در این رابطه سازمان مجاهدین خلق بپردازیم، لازم است تا در پیشگاه توده ها یکبار دیگر بگوئیم که فدائیان (اکثریت) کیستند؟

چریکهای فدائی اکثریت خائن به خلقند

امروز سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) مزورانه خود را وارث سنت های انقلابی سازمانی میدانند که در زمان رژیم شاه خائن، مبارزه ای انقلابی را به پیش میبرد. امروز این سازمان خود را ادامه دهنده راه انقلابیونی میداند که سازش ناپذیر علیه سرمایه داری و کلیه مرتجعین جنگیدند و در راه آزادی جان باختند. اما آیا واقعیت چنین است؟ نه و هزار بار نه! سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) رویزیونیست و خائن به خلق است.

سازمان چریکهای فدائی در زمان رژیم شاه علیرغم انحرافات چپروانه و غیرپرولتری حاکم بر آن سازمانی بود که بطور سازش ناپذیر با رژیم شاه مبارزه میکرد. سازمانی بود که در برگیرنده مارکسیستهائی چون احمدزاده ها و نابدل ها بود که رویزیونیستهای خروشچفی و حزب توده را خائن بشمار آورده و بر روی آنها تف میانداختند. سازمانی بود که در آن اقلابیونی قرار داشتند که به راه خلق و به راه انقلاب صادقانه وفادار بودند و بطرزی انقلابی علیه بورژوازی و جناحات آن پیکار می نمودند. اما امروز چریکهای اکثریت چه کسانی هستند؟ آنها رویزیونیست مرتد میباشند.

رویزیونیستها کیستند؟ بقول لنین رویزیونیستها "عاملین واقعی بورژوازی در جنبش کارگری و مبارزین کارگری طبقه سرمایه داران و مجریان حقیقی رفرمیسم و شوینیسم هستند." (امپریالیسم بمثابه بالاترین مرحله سرمایه داری). رویزیونیستها "همان کسانی هستند که به سرمایه داران کمک نموده تا طبقات کارگر کشورهای مختلف را با محیط دمساز کنند، را منحل سازند، تحمیق کنند و در بین آنها تفرقه اندازند." (نامه هائی از دور، ۷ مارس ۱۹۱۷) بنابراین معلوم میشود که رویزیونیستها، خائنینی هستند که لباس مارکسیسم به تن کرده و از جانب بورژوازی ماموریت پیدا نموده اند تا سیاست بورژوازی، فساد بورژوائی، دروغ و تبهکاری بورژوائی را بمیان کارگران و سایر توده ها رواج داده و آنها را از مبارزه طبقاتی و انقلاب منصرف سازند. رویزیونیستها اصلاحات را بجای انقلاب میگذارند، حفظ فرمانروائی بورژوازی را بجای سرنگونی انقلابی آن قرار میدهند و میکوشند تا توده ها را در انقیاد سیاه سرمایه داران باقی بمانند. در یک کلام رویزیونیستها نوکران چیره خوار بورژوازی و خائنین به طبقه کارگر و انقلاب میباشند. مگر همین فدائیان (اکثریت) نیستند که به نوکری بورژوازی بلندشده، جنایات رژیم در کردستان را مسکوت گذارده و کارگران را به کار بیشتر برای بورژوازی دعوت کرده اند؟ مگر همین اکثریتی ها نیستند که به کمونیستها و انقلابیون تهمت زده و یورش برده، دست در دست حزب خائن توده گذارده و برای خدمت به امپریالیسم شوروی کمر بسته اند؟ آری چریکهای فدائی (اکثریت) امروز به نوکران چیره خوار هیات حاکمه ضد خلقی ایران تبدیل گشته اند. اینان همان کسانی هستند که به انقلاب و خلق خیانت کرده و در کنار بخشی از بورژوازی ایران علیه جنبش توده ها سنگر گرفته اند. آری اینان وارث راه انقلابی انقلابیون سازش ناپذیر نیستند، اینان امروز به گند اب متعفن سازش با سرمایه داران و دولت حامی آنان در غلطیده اند. امروز فدائیان خائن اکثریت میکوشند تا در پوشش قهرمانی انقلابیون گذشته، سازش خود را با دولت سرمایه - داری توجیه نموده و محق جلوه دهند. امروز آنها میکوشند در پوشش شعارهای فریبنده مبارزه با لیبرالها شیادی نموده و تضادی را که سوسیال امپریالیسم شوروی با امپریالیسم آمریکا و لیبرالها دارد، بجای تضاد آشتی ناپذیر طبقه کارگر و توده های زحمتکش با امپریالیسم و لیبرالها جا زده و به این وسیله خود را "ضد امپریالیست" و ضدلیبرال معرفی کنند. مانشان خواهیم داد که چریکهای فدائی اکثریت نه "ضد امپریالیست" اند و نه ضدلیبرال. آنان آنقدر به سازش آغشته شده اند که حتی افرادآنان در زندان به دلیل احترام به رژیم سرمایه داران در اعتصاب کمونیستها و انقلابیون شرکت نمیکنند. آری چریکهای اکثریت هرگز ادامه دهنده راه احمدزاده ها و نابدل ها نمی باشند. خط خیانت و سازش با خط انقلاب و وفاداری به خلق هرگز برابری نمیکند. چریکهای فدائی (اکثریت) هرگز نمیتوانند این حقیقت عریان را بپوشانند که آنان توطئه گران علیه جنبش اوجگیرنده و مشاطه گران وعاملین سرمایه داران ضد انقلابی می باشند. نگاهی به "نامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) به مجاهدین خلق ایران" مورخه اول دیماه ۵۹۰ این حقیقت را روشن میسازد.

دولت حاکم ضد امپریالیست یا متحد امپریالیسم؟

چریکهای فدائی در توضیح آرایش طبقاتی می نویسند: "جبهه ارتجاع یعنی جبهه سرمایه - داران بزرگ، سرمایه داران لیبرال، فئودالها و زمینداران بزرگ و همگردانندگان و سردمداران

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

پیکار

سال دوم ضمیمه شماره ۸۸
دوشنبه ۱۵ دی ۵۹

وکارگزاران رژیم سابق وسپس محبت از "روحانیون مبارز" و "نیروهای مبارز" میکنند. چریکهای اکثریت مانند حزب توده هم به همین سیاق قوای درون ارتجاع را تعیین میکنند. واقعا چه نیروهائی، "نیروهای مبارز" حاکم "میباشند که در جبهه ارتجاع قرار ندارند؟ ماهیت طبقاتی این نیروها چیست؟ ومشخصات مبارز آنان کدام است؟ پر واضح است که منظور فدائیان اکثریت از نیروهای حاکم "مبارز" بخشی از بورژوازی یعنی حزب جمهوری وخرده بورژوازی مرفه سنتی (خمینی) است. ولی خوب است فدائیان بما بگویند به چه خاطر این نیروهای طبقاتی "مبارز" میباشند؟ بالاخره آنها مجرای رسوای اشغال سفارت ودشنامهای ضد امپریالیستی به آمریکا را مطرح خواهند ساخت، بالاخره آنها جنگ ایران وعراق را مطرح میکنند واین مسئله که آمریکا از طریق این جنگ درپی سرنگونی رژیم بوده است! ولی واقعا کیست که نداند در طی همین جنگ، تواقفات پنهانی بین امپریالیسم آمریکا ورژیم جمهوری اسلامی جهت خرید سلاح از آمریکا صورت گرفت و کیست که نداند مسئله استرداد گروگانهای جاسوس در طی همین جنگ، بیش از هرزمان دیگر طرح شد ورژیم ایران با خفت تمام کوشید و می‌کوشد تا این ماجرا به پایان برساند. لابد کوشش رژیم جهت "ملی شدن" بازرگانی خارجی طرح میگردد. اما کیست که نداند "ملی شدن" بازرگانی خارجی در نظام سرمایه‌داری وابسته تنها وتنها درخدمت بورژوازی ارتجاعی و تخفیف بحران موجود است. واین "ملی شدنها" با ملی شدن تحت حاکمیت دولت جمهوری دمکراتیک ماهیتا تفاوت دارد.

فدائیان محبت اردولت "ضدامپریالیست" کرده ومطرح میسازند اگر از این دولت و "سیاستها واقدامات ضد امپریالیستی" آن حمایت نکنیم، این دولت سقوط کرده وما موجبات روی کار آمدن حکومتی را فراهم نموده ایم که "هیچ وظیفه‌ای ندارد جز آنکه جاده صاف کن امپریالیسم باشد". ببینید چگونه رویزیونیستها بخشی از بورژوازی ارتجاعی ووابسته به امپریالیسم جهانی را "ضد امپریالیست" خطاب کرده وکارگران وسایر توده‌ها ونیروهای مترقی را به حمایت از دولت این بورژوازی فرا میخوانند. آنان از انقلاب وحشت دارند وبه همین خاطر درپی سازش دادن جنبش با ارتجاع میباشند. این سیاست همیشگی رویزیونیستها ست که چهره کریه بورژوازی را آرایش کنند وتوده‌ها را بجای راهبری بسوی انقلاب، به ماندن در اسارت بورژوازی ودولت آن دعوت نمایند. حال ببینیم ادعای رویزیونیستها آیا واقعیت دارد؟ ما می‌پرسیم "نیروهای ضد امپریالیست حاکم" نمایندگان چه طبقاتی هستند؟ رویزیونیستهای اکثریتی درسراسر مقاله، این سئوال را مسکوت میگذارند ولی پر واضح است که اگر لیبرالها نمایندگان بخشی از سرمایه‌داران ایران میباشند که دست وپایشان در سرمایه جهانی گره خورده است، حزب‌ها نیز نمایندگان سرمایه‌داران هستند اگر قبول داریم که شیوه تولیدی حاکم در ایران سرمایه‌داری بوده واین سرمایه‌داری اساسا محصول نفوذ امپریالیسم جهانی است وبنابر این وابسته میباشد واگر قبول داریم که در ایران دوشیوه تولیدی سرمایه‌داری موجود نیست وهمه سرمایه‌داران درهمین شیوه تولیدی حاکم به استثمار کارگران پرداخته وارزش اضافی استخراج میکنند وبه بازتولید میپردازند، بدین ترتیب روشن است که در این صورت محبت از "سرمایه‌داران ملی" جز بیان حمایت وچاکری بورژوازی چیز دیگری نخواهد بود. حزب‌ها یعنی بهشتی ها، رفسنجانی ها، رجائی ها، آیت ها و.... نمایندگان سیاسی سرمایه‌داران می‌باشند که دست وپایشان در سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران گره خورده ودرجهانی که دو اردوگاه بیشتر وجود ندارد، نمیتوانند حامی و مدافع اردوگاه سرمایه وامپریالیسم نباشند. حزب‌ها مانند لیبرالها هرگز نمیتوانند ضد امپریالیست باشند، آنان امروز دست در دست هم به بازسازی سیستمی پرداخته اند که در اعماق وتار وپود خود به امپریالیسم جهانی پیوند خورده است. آنان مدافع سیستمی میباشند که میلیونها دلار سرمایه امپریالیستی در آن در حال گردش است و سالانه میلیونها تومان سود از قبل غارت واستثمار توده‌ها به یغما میبرند. وامروز اخاصی مانند آیت الله خمینی علیرغم تمام عوامفریبیها چه کاردیگری جز حمایت از همین سیستم وهمین سرمایه‌داران انجام میدهند؟ قانون اساسی حکومت جز دفاع از سرمایه‌داران چیز دیگری میباشد؟ سیاست آنان مستقیما در خدمت سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و در جهت سرکوب همه طبقات ونیروهائی است که علیه این سیستم گندیده میجنگند.

نه! مشاهده گری های رویزیونیستها نمی‌تواند واقعیات را بپوشاند. واقعیت این است که دولت حاکم یک اجتماع تصادفی از افراد نیست. این دولت در برگیرنده همان نمایندگانی است که از سرمایه دفاع می نمایند. حال آیا دولتی که دستگاه حکومتی شاه جلاد را به ارث برده است، دولتی که ارتش دست پرورده امپریالیسم آمریکا را بخدمت خود گرفته است، دولتی که به بندوبست های پنهانی با امپریالیستها مشغول است، دولتی که مدافع سیستم سرمایه‌داری وابسته وحافظ پیمانهای امپریالیستی است، دولتی که سرکوبگر توده‌های مبارز، انقلابیون وکمونیستها ست، دولتی که ساواکی ها وجنایت کاران سلطنت طلب را آزاد کرده وبا آنها همکاری میکند، اما شکنجه‌گر کمونیستها و انقلابیون است، دولتی که جزگرسنگی وفقر و فلاکت واستبداد وخفقان برای توده‌ها به ارمغان نیاورده است، آیا چنین دولتی "ضد امپریالیست" است؟ تنها خائنین به طبقه کارگر وکسانی که درپی سازش دادن جنبش با ارتجاع میباشند، دولت حاضر را "ضد امپریالیست" میخوانند، دولت حاکم یک دولت ارتجاعی وضد مردمی است وهرکس که بگوید کاگران از این دولت باید پشتیبانی کنند، به آزادی واستقلال وبه انقلاب خیانت کرده است. حمایت از این دولت یعنی حمایت از متحدان امپریالیسم وحمایت از جلادان خلقهای سراسر ایران. حمایت از این دولت یعنی نفی مبارزه طبقاتی، یعنی نفی مبارزه ضد امپریالیستی. رژیمی که در جنایات علیه انقلاب وتوده‌ها هیچ دست کمی از رژیم شاه جلاد ندارد، رژیمی که در عوامفریبی وفریب توده‌ها دست رژیم شاه را از پشت بسته است، رژیمی که هر مبارزه ضد امپریالیستی را سرکوب میکند، آری چنین رژیمی هرگز وهرگز نمیتواند ضد امپریالیست باشد وهرکس غیر از این بگوید خائن به منافع تاریخی توده‌هاست. وفدائیان اکثریت غیر از این میگویند. وبه همین خاطر خائن به توده‌ها میباشند.

برخلاف آنچه که رویزیونیستهای مرتدمی‌گویند، این دولت جاده صاف کن امپریالیسم است. وبنابراین، مبارزه علیه امپریالیسم از مبارزه علیه چنین رژیمی هرگز جدا نخواهد بود. هرکس مبارزه ضد امپریالیستی را از مبارزه علیه ارتجاع داخلی وتمامی مدافعین و نمایندگان بورژوازی ارتجاعی جدا کند، به مبارزه ضد امپریالیستی خلقها خیانت نموده است. اگر امپریالیسم در ایران غارت وچپاول میکند، این غارتگری بدون اتکاء طبقه ورژیمی صورت میگیرد که شرایط را برای غارتگری امپریالیستی فراهم نموده است. رژیم جمهوری اسلامی پاسدار منافع سیاسی است که برپایه آن امپریالیستها استثمار میکنند وبه غارتگری مشغول میباشند. بنابراین پر واضح است که مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه علیه ارتجاع داخلی هرگز جدا نمیتواند باشد و رویزیونیستها وازجمله فدائیان (اکثریت) که این دو مبارزه را از یکدیگر جدا میکنند، خیانتکارانی میباشند که عمال بورژوازی بوده واز رشد انقلاب وحشت زده گردیده، درپی سازش دادن خلق با ارتجاع حاکم وضربه زدن به جنبش دمکراتیک - ضد امپریالیستی توده‌ها هستند. رویزیونیستهای فدائی با این مقدمه چینی درپی فریب توده‌ها وبه سازش کشاندن مجاهدین با دولت وطبقه حاکمه میباشند.

چریکهای فدائی (اکثریت) از انقلاب وحشت دارند

چریکهای فدائی (اکثریت) به مجاهدین خلق میگویند: "وقتی یک یا چند دسته از نیروهای خلق روشهای غلط ومخرب وبا نفاق افکنانه‌ای را درپیش گیرند، آیا سایر نیروها مجازند وبه خاطر مقابله با این روشها به روشهای نادرست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

توسل جویند؟... آیا مجازند در این شرایط خطیر به عنوان "اهمیت" اختلافات بین "خودی‌ها" مبارزه با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا را در مرتبه دوم اهمیت قرار دهند؟" و سپس اضافه می‌کنند که روحانیون "ضد امپریالیست" اند و "پاسدار ان انقلاب"، "نیروئی است ضد امپریالیست و ضد فئودال و مخالف سرمایه‌داران وابسته" (!)

روشن تر از این به مشاطه‌گری ارتجاع نمیتوان پرداخت. رویزیونیستها به مجاهدین میگویند ولا بورژوازی جنایت نمیکند، بلکه ممکن است دسته‌هائی به "روشهای غلط و مخرب و یا نفاق افکنانه" روی آورند و شاید اگر سرمایه‌داران و نیروهای سرکوبگر آن "روش‌های نادرست" بکار گیرند، با بد چشم پوشید، چون بالاخره سرمایه‌داران همچو "خودی‌ها" هستند، آنها "ضد امپریالیست" میباشند و "پاسداران" آنها هم "ضد امپریالیست" میباشند. رویزیونیستها اسم کشتار کمونیستها و مجاهدین را "روش غلط" نام میگذارند و کشتار و قتل عام "قارنا"ها، "قهلانان"ها و "ایندرقاش"ها را "روش غلط" نام میگذارند. کشتار دانشگاه را "روش غلط" نام میگذارند. زهی وقاحت و بیشرمی! فقط افراد خائن میتوانند چنین محبت کنند. آری رویزیونیستها خیانتها و جنایات مستمر حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی را "روش نادرست" نام میگذارند و سپس نیروهای آگاه را دعوت به سکوت میکنند. ببینید نوکر مفتی رویزیونیستها چقدر عمیق است. رویزیونیستها هیچگاه جانب انقلاب و توده‌ها را نمیگیرند، آنان همیشه طرفدار رژیمهای ارتجاعی بوده و یکدم از پوشیده نگاهداشتن دروغها و جنایات بورژوازی غفلت نمیکنند. کشتار و سرکوب و ستم سیاست طبقاتی سرمایه‌داران است. سرمایه‌داران زالو صفت بدون سرکوب طبقاتی، بدون درهم شکستن مقاومت خلق توسط نیروی سرکوبگر خود، نمیتوانند در قدرت بمانند. خیانت خواهد بود اگر سیاست سرکوبگرانه ارتجاع را از ماهیت طبقاتی آن جدا سازیم و خلق را دعوت به سکوت نمائیم. باید چهره کریه ارتجاع را به توده‌ها شناساند و به آنها گفت که اعمال ستم و خونت ارتجاعی، ناشی از ماهیت طبقاتی رژیم جمهوری اسلامی است، باید به آنها گفت در برابر قهر ارتجاعی باید قهر انقلابی توده‌ها را قرار داد.

اما رویزیونیستها که مخالف سرسخت افشا شدن چهره ارتجاع میباشند، به توده‌ها که کمونیستها و مجاهدین میگویند با ید در برابر جنایات رژیم حاکم سکوت کرد و نه تنها با ید سکوت کرد، بلکه شما "میبا ید دشمنی با پاسداران را نیروئی ضد امپریالیست و مدافع انقلاب معرفی کنید". حال با ید ببینیم رویزیونیستها از این مقدمه‌چینی چه هدفی را تعقیب میکنند؟ آنها خطاب به مجاهدین میگویند: "همه گروهها دست در دست هم بگذارند، از تشدید اختلاف و دشمنی با یکدیگر بپرهیزند". رویزیونیستها ادامه میدهند: "خواسته اند که میان ما و شما، میان فدائیان و مجاهدین با دیگر نیروهای ضد امپریالیست فاصله نیاندازند". و با لاخره میگویند: میبایست "بسوی گسترش همکاری و همگامی و اتحاد عمل همه نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی" به پیش رفت. هدف روشن است. رویزیونیستها بمثابه عاملین بورژوازی در پی اتحاد و وحدت ستمگر و ستمکش میباشند، در پی سازش ضد انقلاب و انقلاب میباشند. جنبش در حال پیشروی است و رویزیونیستها در حال دوراندیشی برای بورژوازی. آنها میخواهند مجاهدین خلق را از صفوف خلق جدا نموده و آنان را به صف بورژوازی و ضد انقلاب پیوند دهند. و بدین ترتیب به جنبش ضربه بزنند. رویزیونیستها نسبت به انقلاب و جنبش نفرت دارند و به همین لحاظ تا آنجا که قدرت دارند میکوشند تا بخشهائی از جنبش را خنثی نموده و را م بورژوازی نمایند. فدائی‌های اکثریت هماننده حزب توده در پی ایجاد "جبهه متحد خلق" متشکل از سرمایه‌داران و خرده‌بورژوازی مرفه سنتی، رویزیونیستهای خائن و مجاهدین خلق میباشند. آنها میخواهند زیر پرچم بورژوازی، مجاهدین را متحد خود ساخته و به مقابله با جنبش خلق بلند شوند. آنها میخواهند مجاهدین را به چماق سرکوب بورژوازی و رژیم حاکم تبدیل سازند. این است هدف خائنانه رویزیونیستها.

اما آیا بورژوازی و نوکران آن یعنی رویزیونیستها، با دمکراتهای انقلابی هم سرنوشت میباشند؟ نه هرگز! تضاد میان رویزیونیستها با دمکراتها از مقوله تضاد انقلاب و انقلاب است. هیچ منافعی انقلابیون دمکرات را به سرمایه‌داران، رژیم سرمایه‌داری و نوکران آنها پیوند نمیدهد. و پر واضح است که مجاهدین خلق با خلق و انقلاب توده‌ها هم سرنوشت اند نه با رویزیونیستها و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی. اما متاسفانه مجاهدین خلق بدلیل تزلزلات و انحرافات راستروانه خود، خط میان خود و رویزیونیستها را تا همین یک هفته اخیر روشن نساخته بودند، تا رویزیونیستها ندای اتحاد سر دهند. منافع جنبش دمکراتیک ـ ضد امپریالیستی خلقهای ما می طلبد تا دوستان مجاهدین مرزبندی خود را با آنان مستحکمتر ساخته و توطئه‌های ضد انقلابی آنان را بنوبه خود هرچه بیشتر خنثی نمایند.

آری رویزیونیستهای فدائی میکوشند با سازش دادن مجاهدین خلق و ارتجاع حاکم و با جدا سازی مجاهدین خلق از صفوف جنبش به مقابله با جنبش توده‌ها و نیروهای آگاه دست بزنند. رویزیونیستها به مجاهدین ایراد میگیرند که هواداران مجاهدین چرا در مدارس به مبارزه علیه انجمن‌های وابسته به رژیم دست میزنند و چرا به افشاگری علیه ارتجاع میپردازند. و سپس میگویند: "آیا اکنون زمان آن نیست که با تمام قوا بکوشیم تا در مدرسه و کارخانه، در خانه و محله جلوی هرگونه تشنج و درگیری را که زمینه‌ساز آن با مرتجعین ضد انقلاب هستند و با عناصر ناآگاه و فریب خورده بگیریم؟"، "چرا نکوشیم که چرخ کارخانه‌ها را در خدمت پیروزی در جنگ و تقویت پشت جبهه آن به حرکت در آوریم؟ چرا نکوشیم مسائل فرعی را از راه مسالمت و مصالحه حل کنیم و به مسئله اصلی بپردازیم؟" و سپس رویزیونیستها خود جواب میدهند: "این وظیفه ماست که قاطعانه با پستیم و جلوی تشنج و درگیری را بگیریم." و "وظیفه ماست که نگذاریم شهرها به آشوب کشیده شود".

امروز مبارزه طبقاتی بیش از هر زمان دیگر در حال اوجگیری است. مبارزه انقلابی در کردستان، مبارزه انقلابی در شهرهای شمالی کشور، مبارزه آوارگان جنگ در نقاط مختلف مبارزه در مدارس، مبارزه در کارخانه‌ها، مبارزه در سراسر ایران، این است ایران امروز. چرا بورژوازی از این مبارزات به وحشت نیفتد؟ چرا بورژوازی ساکت بنشیند؟! مروز توده‌های بسیار وسیعی هستند که نسبت به این رژیم و اعمال جنایتکارانه‌اش نفرت دارند و خواهان نابودی آن هستند. پس آیا نوکران بورژوازی نباید به فریاد بورژوازی برسند؟ آیا رویزیونیستها نباید "صلح اجتماعی" را تبلیغ کنند؟ آیا رویزیونیستها نباید آتش خشم و نفرت توده‌ها را خاموش سازند؟! آیا رویزیونیستها نباید جلوی "تشنج" و یا در واقع جلوی رشد مبارزه طبقاتی را بگیرند؟

لنین کبیر درباره رویزیونیستها میگوید:
"ریاکاری عظیمی است: انقلاب را زبانی میپذیرند و در برابر کارگران درباره پذیرفتن انقلاب با جملات پرطمطراق جلوه میفروشند، اما در عمل نسبت به هسته‌ها، جوانه‌ها و پدیده‌های رشد انقلاب ماندهر گونه اقدام توده‌ها که شکننده قوانین بورژوائی باشد و از دائره هرقانونیتی خارج شود، از قبیل اعتصابات توده‌ای، تظاهرات خیابانی، اعتراض سربازان، میتینگ در ارتش، پخش تراکت در سربازخانه‌ها و اردوگاهها و غیره، برخوردی کاملا رفرمیستی دارند... بورژوازی سراسر جهان که با تمام قوا، با کوشش عظیم، با درایت و عزمی راسخ از هیچ جنایتی روگردان نیست عده کثیری از کشورها را به گرسنگی و نابودی همگانی محکوم ساخته، سرکوبی پرولتاریا را در جنگ داخلی فرارسنده تدارک میبیند و قهرمانان انترناسیونال برن (بخوان چریکهای فدائی اکثریت) مانند احمقان و یا آخوندهای ریاکار و یا پروفسورهای فضل فروش، ترجیع بندکهن و مبتذل و فرسوده رفرمیستی را سر داده اند منظره‌ای از این زشت‌تر و نفرت انگیزتر وجود ندارد... بورژوازی نوکرانی لازم دارد که بخشی از طبقه کارگر به آنها اعتماد داشته باشند، نوکرانی که بورژوازی را با عبارت پردازی‌های خود درباره امکان راه

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

پیکار

سال دوم ضمیمه شماره ۸۸
دوشنبه ۱۵ دی ۵۹

رفرمیستی، بیارایند و زیبا کنند، توکرانی که با این عبارت پردازیها خاک در چشم خلق بپاشند و خلق را با رنگ آمیزی مواعید و امکانات راه رفرمیستی از انقلاب منصرف گردانند. (لنین درباره وظایف انترناسیونال سوم- ۱۴ اوت ۱۹۱۹).

آری رویزیونیستها در مقابل بورژوازی و رژیمی که از هیچ جنایتی رویگردان نیست و توده‌های بیشماری را محکوم به گرسنگی و فقر و فلاکت نموده، به چاکری پرداخته و میکوشند تا مانند "احمقان و یا آخوندهای ریاکار" خلق را از مبارزه علیه بورژوازی منصرف گردانند، اما از آنجا که این مبارزه ریشه در بطن مناسبات اجتماعی موجود گرفته و علیرغم خواست ارتجاعی سرمایه‌داران و توکرانشان بوجود میاید و رشد و گسترش پیدا میکند، چاره دیگری جز مقابله آشکار و روسرکوب باقی میماند؟ مسئله اساسی در همینجاست.

رویزیونیستهای خائن فدائی، مبارزه طبقاتی را "تشنج" وانمود ساخته، مقاومت انقلابی را "شوب" جلوه داده و سپس مطرح می‌سازند در برابر "تشنج" و "شوب" در مدارس و کارخانه‌ها و شهرها باید "قاطعانه" ایستادگی نمود.

رویزیونیستها مانند سخنگویان جمهوری اسلامی به بورژوازی خط میدهند که در مقابل جنبشها باید "ایستاد" یعنی با یدبه سرکوب جنبش توده‌ها اقدام کرد. ببینید چگونه دستهای رویزیونیستها به جنایات هولناک سرمایه‌داران آلوده است.

اما رویزیونیستهای فدائی در این وظیفه ننگین میخواهند همکارانی نیز داشته باشند. آنان میکوشند تا مجاهدین خلق را همدست بورژوازی ساخته و در کا در "جبهه متحد خلق" و یا در واقع جبهه متحد ضد انقلاب به مقابله با جنبش انقلابی توده‌ها بپردازند. رویزیونیستها به مجاهدین میگویند نه تنها از مبارزه خود علیه ارتجاع دست بکشید، بلکه بعلاوه دستها را باید بالا زد تا جلوی اعتصابات کارگری در کارخانه‌ها گرفته شود، مدارس در سکوت مرگبار فرو روند، سرمایه‌داران خونخوار غارت کنند و رژیم منفور جمهوری اسلامی به حاکمیت ضدخلقی خود ادامه دهد. رویزیونیستها برای تحقق این هدف ضدانقلابی خود میدانند که کمونیستهای پیگیر سازش ناپذیرند و به هیچگونه سازشی و مماشاتی با رژیم حاکم تن نخواهند داد. اگر مجاهدین خلق از خود تزلزلات نشان میدهند و یا تزلزلات خود رویزیونیستها را ترغیب می‌نمایند که برایشان "نامه اتحاد" بنویسند، اما کمونیستهای پیگیر که هم در برابر بورژوازی و امپریالیستها و هم در برابر توکران آنان سازش ناپذیر میباشند، هیچگونه امکان عوامفریبی به رویزیونیستها نمیدهند و بنابراین بی سبب نیست که خائنین به خلق، سازمان ما را "ضد انقلابی" میخوانند. اینان نیز مانند رژیم، انقلاب را "ضد انقلاب" جلوه میدهند تا توده‌ها را بفریبند و دشمنی خود را به نمایش بگذارند. براستی نیروهائی مانند سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر که پیوسته به آرمان طبقه کارگر وفادار مانده و پیگیرانه در راه انقلاب پیش میرود، چرا نفرت بورژوازی و توکرانش را برنیانگیزد؟ نه! این طبیعی است که رویزیونیستها علیه نیروهای کمونیستی پیگیر و از جمله سازمان ما فحاشی نمایند. سازمان ما در طول مبارزات خود علیه رژیم محمدرضا شاه خائن و رژیم جمهوری اسلامی پیگیرانه به مبارزه انقلابی خود ادامه داده است. سازمان ما با هیت کمونیستی خود لحظه‌ای فکر سازش با ارتجاع را بخود راه نداده است و پیوسته در راه آرمان پرولتاریا به پیش رفته است. بنابراین چرا رویزیونیستها نسبت به این سازمان کینه‌توزند؟ سازمان ما پیوسته حقیقت را به کارگران و سایر توده‌ها گفته و تمام جنایات سرمایه‌داران و رژیم حامی آنها را در پیشگاه توده‌ها افشا نموده است. بنابراین چرا رویزیونیستها نسبت به این سازمان نفرت نداشته باشند؟ سازمان ما بطور فعال در مبارزات انقلابی از جمله در کردستان قهرمانان شرکت داشته و بطور مستمر ایده انقلاب را به میان توده‌ها برده است. بنابراین چرا رویزیونیستها نسبت به این سازمان دشمنی نکنند؟ سازمان ما بطور فعال و پیش از هر نیروی دیگر به افشای چهره کریه رویزیونیستها و سوسیال امپریالیسم شوروی پرداخته است. بنابراین چرا رویزیونیستها نسبت به این سازمان به تبلیغات زهرآگین ضد انقلابی دست نزنند؟

ضدیت خائنانه چریکهای فدائی اکثریت با سازمان ما نشانه ضدیت آنها با کل جنبش کمونیستی ایران، با مارکسیسم- لنینیسم و طبقه کارگر است. رویزیونیستها مذبوحانه می‌کوشند تا کمونیستها و بخصوص سازمان ما را منفرد ساخته و همپای بورژوازی سرکوب نمایند. ولی درهمان زمان رویزیونیستهای توطئه‌گر خروشچفی میکوشند تا انقلابیونی را که از خود تزلزل نشان میدهند از کمونیستها دور سازند و آنان را به جبهه بورژوازی نزدیک نمایند. آنان بمثابه نمایندگان "دوراندیش" هیات حاکمه به بورژوازی خط میدهند که کمونیستها را باید سرکوب کرد، نیروهائی که تزلزل نشان میدهند را باید جلب کرد و در نتیجه جبهه متحد ضد انقلاب را باید برای مقابله با انقلاب وحنیشی که میرود تا دستگاه ظلم و جور را سرنگون کند، مستحکم گردانند.

مبارزه ضدلیبرالی رویزیونیستها، دروغ است

بدین ترتیب روشن است کسی که نسبت به جنبش توده و جنبش آگاه دشمنی میورزد و دست در دست هیات حاکمه قرار داده است، نمیتواند ضد امپریالیست باشد، نمیتواند ضد سرمایه‌دار و ضد ارتجاع باشد. و مکرر نه اینکه لیبرالها همان سرمایه‌داران و همان ارتجاع میباشند، پس چگونه ممکن است همدست ارتجاع و سرمایه‌دار بود و در همان زمان مخالف لیبرالهای خائن؟ نه! هرگز! سازمان چریکهای فدائی اکثریت از موضع یک طبقه انقلابی با لیبرالها مبارزه نمی‌کند. مخالفت رویزیونیستهای فدائی با لیبرالها به این خاطر است که بین دو دسته یعنی حزب جمهوری و لیبرالها اختلاف است و اکثریتی‌ها طرف دو دسته و شیادان حزب جمهوری می‌باشند. مخالفت رویزیونیستهای فدائی با لیبرالها به این خاطر است که سوسیال امپریالیسم شوروی با لیبرالها که طرف دار امپریالیستهای اروپائی و آمریکائی میباشند، میانه خوبی ندارند و اکثریتی‌ها مدافع امپریالیسم روس میباشند. مخالفت رویزیونیستهای فدائی با لیبرالها از یک موضع انقلابی و ضد سرمایه‌داری نیست، این مخالفت از یک موضع رویزیونیستی بورژوائی و ضد انقلابی است. این مخالفت از موضع دفاع از حزب ارتجاعی جمهوری و امپریالیستهای شوروی میباشد.

آری مخالفت چریکهای اکثریت با لیبرالها برای طرفداری از انقلاب نیست. تبلیغات عوامفریبانه ضدلیبرالی آنان جز شیادی چیز دیگری بیش نیست و هرگز نمیتوانند کمونیستها، انقلابیون و توده‌های آگاه را فریب دهد. ضد لیبرال راستین کسی است که از انقلاب وحشت نداشته باشد، ضدلیبرال راستین کسی است که علیه حکومتی که در آن لیبرالها سهیم میباشند مبارزه انقلابی کند، ضدلیبرال راستین کسی است که ضد سرمایه‌دار باشد، ضدلیبرال راستین کسی است که با نیروهای کمونیستی که علیه لیبرالهای خائن پیوسته مبارزه کرده‌اند، دشمنی نکند. بنابراین پر واضح است که

> ● سیاست کمونیستها مظلوم نمائی در پیشگاه "بالائیها" نبوده و نیست، کمونیستها به مبارزه طبقاتی توده‌ها اتکا دارند و بس. سیاست کمونیستها تکیه بر یک جناح از بورژوازی نبوده و نیست، کمونیستها فقط به انقلاب و قدرت لایزال توده‌ها ایمان دارند و بس.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

چریکهای اکثریت هرگز نمیتوانند ضدلیبرالهای راستین باشند. آنها نمیتوانند از موضع انقلابی علیه لیبرالهای خیانت پیشه مبارزه کنند. مبارزه علیه لیبرالها از مبارزه علیه حزب جمهوری و کل رژیم جمهوری اسلامی جدا نمیباشد و به همین دلیل مبارزه "ضدلیبرالی" رویزیونیستهای فدائی یک دروغ شیادانه است. آنان این پرچم دروغین را بلند کرده اند تا جنبش توده ها را بفریبند و خود را در مقابل ضد امپریالیستهائی که در برابر لیبرالها تزلزل و تا پیگیری نشان میدهند، محق جلوه دهند. پس بکوشیم این پرچم دروغین را پاره کنیم و دروغ و نیرنگ رویزیونیسم را یکبار دیگر بنمایش گذاریم.

میگویند: "جامعه ما میرود که دوستان جهانی خود را بیابد" و جمهوری اسلامی مبایداز حمایت همه جانبه و بی دریغ متحدین و دوستان و مدافعان واقعی انقلاب ما در ایران و جهان" برخوردار گردد. (تاکید از ماست) و سپس اضافه میکنند: "هرچه ما میکشیم از امپریالیستهای آمریکائی، اروپائی و ژاپنی است."

این حقیقتی است که امپریالیسم آمریکا، در دوران رژیم وابسته شاه بمثابه امپریالیسم فائقه در ایران عمل کرده است. این حقیقتی است که امپریالیسم خونخوار آمریکا و در کنار آن امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی پیوسته تا به امروز به غارت خلق ما مشغول بوده و میباشند اما این نیز حقیقتی است که سوسیال امپریالیسم شوروی در کنار سایر امپریالیستها در چپاول خلق ما سهیم بوده است و پیوسته در کنار دشمنان انقلاب توده ها یعنی رژیم مزدور شاه و رژیم جمهوری اسلامی قرار داشته است. امروز امپریالیسم آمریکا، نیروی امپریالیستی اصلی است که در کشور ما نفوذ و رسوخ دارد، اما ندیدن نفوذ سایر امپریالیستها و از جمله شوروی امپریالیستی جز خیانت به خلق چیز دیگری نیست.

امروز شوروی کنونی، دیگر شوروی سوسیالیستی به رهبری لنین و استالین نیست که نزدیکی برادرانه با آن، نشانه ای از ترقی خواهی باشد. هر نیرو و کشوری که در کنار شوروی تحت رهبری لنین و استالین قرار نداشت، لاجرم در کنار امپریالیستها و مرتجعین جهانی جای داشت. اما امروز اوضاع تغییر یافته است. شوروی سوسیالیستی و پشتیبان انقلاب خلقها به شوروی امپریالیستی و پشتیبان ارتجاع تبدیل شده است. امروز واقعیت این است که مبارزه علیه امپریالیستهای آمریکائی، اروپائی و ژاپنی از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم شوروی بهیچوجه جدا نمیتواند باشد کسانی که در مقابل شوروی کنونی تزلزل بخرج دهند، آینده خطرناکی در برابر آنان قرار دارد و این هشداری است از جمله برای سازمان مجاهدین خلق.

اما رویزیونیستهای خروشچفی وطنی که در راه منافع سوسیال امپریالیسم حرکت میکنند نه تنها میکوشند تا شوروی را "دوست خلقها" نشان دهند و جنبش خلقها را به انحراف بکشانند بلکه همچنین سعی می نمایند تا رژیمهای ارتجاعی را بسمت شوروی سوق داده و آنها را وابسته به امپریالیسم روس بنمایند. آنان فریبکارانه شوروی را ملاک ترقیخواهی نشان داده و هر رژیمی را که نسبت به شوروی نزدیکی داشته باشد "مترقی" یا "دارای سمتگیری مترقیانه" نشان میدهند. طبق نظر رویزیونیستها و از جمله حزب خائن توده زمانی که محمد رضا تا در کنار شوروی بود "مترقی" بود، اما زمانی که سادات خائن در کنار آمریکا قرار گرفت آمریکائی و ارتجاعی گردید. زمانی که رژیم سومالی در کنار شوروی بود و به شوروی اجازه استقرار پایگاه نظامی داده بود "مترقی و با سمتگیری سوسیالیستی" بود، اما زمانی که رژیم سومالی بسوی آمریکا رفت ارتجاعی از آب درآمد. امروز آنان رژیمهای ارتجاعی ای مانند اتیوپی، سوریه و ... را مترقی و انقلابی جلوه میدهند، زیرا این رژیمها وابسته و یا نزدیک به سوسیال امپریالیسم میباشند، اما فردا .....؟ رویزیونیستهای خروشچفی از ماهیت طبقاتی رژیمها حرکت نمیکنند. آنان تخاصم و دشمنی این رژیمها را نسبت به انقلاب و توده ها ملاک قرار نمیدهند. آنان از این معیار حرکت میکنند که کدام رژیم و تا چه میزان نسبت به شوروی نزدیکی دارد.

رویزیونیستهای فدائی نیز همین ملاک را بکار میگیرند. آنان میکوشیدند تا گرایش که در برخی محافل حکومت ایران بسوی امپریالیسم روس وجود دارد را تقویت نموده، رژیم ایران را در کنار "دوستان جهانی" خود قرار دهند و آنرا از جبهه امپریالیستهای غربی دور سازند.

رویزیونیستهای فدائی میخواهند بین منافع بورژوازی حاکم و امپریالیسم شوروی بگانگی بوجود آورده و به همین لحاظ به مقابله جوئی با لیبرالها و امپریالیستهای غربی میپردازند. بنابراین فدائیان رویزیونیست، در پی استقلال کشور نمیباشند. آنان میخواهند ایران در زیر یوغ امپریالیستهای شوروی قرار گیرد. آری رویزیونیستهای خائن هیچگاه نمیتوانند ضد امپریالیست باشند. نگاه کنید! سه جهانی های وطنی، طرفدار امپریالیسم غرب و بخصوص امپریالیستهای "جهان دوم" اشان میباشند و رویزیونیستهای خروشچفی طرفدار امپریالیسم شوروی هستند. به همین لحاظ آنها هرگز نمی توانند برای استقلال و آزادی واقعی مبارزه کنند. ضد امپریالیست راستین کسی است که علیه تمامی امپریالیستهای جهان مبارزه کند.

بدین ترتیب ما تا به اینجا کوشیدیم تا نشان دهیم که رویزیونیستهای فدائی دشمن انقلاب بوده و همدست ارتجاع حاکم میباشند. ما کوشیدیم تا نشان دهیم که در شرایط و جگیری جنبش توده ها نه تنها بورژوازی به وحشت می افتد، بلکه بعلاوه رویزیونیستها نیز هراسناک شده و با تمام قوا میکوشند تا بورژوازی را از "خطر

> ● یک مبارزه انقلابی مبارزه ای است که علیه کل هیئت حاکمه باشد، مبارزه ای است که در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باشد، مبارزه ای که در راه تحقق انقلاب توده ها باشد.

رویزیونیستها برای نفوذ سوسیال امپریالیسم فعالیت میکنند

اگر از یکسو رویزیونیستهای فدائی میکوشند تا چاکرانه خدمتگزار بورژوازی حاکم باشند، در همان حال با تمام قوا میکوشند تا بورژوازی خودی را بسوی "دوستان جهانی" سوق دهند. رویزیونیستهای توکر مفت و مزدور حزب توده کم بودند، حالا رویزیونیستهای فدائی نیز وارد گود شده اند! برای آنکه سوسیال امپریالیسم شوروی به اهداف توسعه طلبانه خود برسد، رویزیونیستهای خروشچفی وطنی تقسیم کار میکنند. حزب توده از "دوستان جهانی" تعریف میکند و اکثریتی ها برای "هیات حاکمه ضد امپریالیست" هورا میکشند. حزب توده تملق بورژوازی را میگوید و اکثریتی ها در باره سمت ـ گیریهای جدید و مثبت دولت ایران در عرصه جهانی داد سخن میدهند. آری چریکهای فدائی (اکثریت) وظایف متعددی دارند: توکری بورژوازی حاکم و خدمتگزاری امپریالیسم شوروی. آنان برای روزی آه میکشند که امپریالیسم شوروی بجای امپریالیسم آمریکا در ایران حاکم گردد. آنان که میدانند بین امپریالیست ـ های آمریکائی و بخشی از هیات حاکمه اختلافات مشخصی وجود دارد، در پی آنند تا با چابلوسی های نفرت انگیز خود دل بورژوازی مرتجع را بدست آورده و او را برای سازش با امپریالیسم شوروی تشویق نمایند. رویزیونیستها

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی حامی او

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

پیکار

سال دوم ضمیمه شماره ۸۸
دوشنبه ۱۵ دی ۵۹

انقلاب" رهائی بخشند. آنها میکوشند تا با ضربه وارد کردن به جنبش دمکراتیک ـ ضد امپریالیستی توده‌ها و سرکوب آن حاکمیت ارتجاع را از خطر نیستی نجات دهند. حال با توجه به چنین هدف خائنانه‌ای است که سازمان چریکهای فدائی اکثریت به مجاهدین خلق نامه نوشته و با بیان یک مشت خزعبلات ضد انقلابی و آرایش چهره زشت بخشی از هیات حاکمه ارتجاعی میکوشند تا مجاهدین خلق را از جنبش کمونیستی دور ساخته و این نیروی ضد امپریالیستی را به جبهه سورژوازی نزدیک گردانند. برای این منظور فدائیان رویزیونیست خود را ضد لیبرال وانمود ساخته و میکوشند با انگشت گذاردن بر ط: عون لیبرالها و درعین حال انحراف مجاهدین در قبال لیبرالها، آنان را بسوی تزهای رویزیونیستی خود بکشانند. رویزیونیستها می‌کوشند با اتکاء به این تزها و با توطئه‌های رنگارنگ، مجاهدین را در موضع ضعف قرار داده و زمینه دور ساختن مجاهدین از جبهه انقلاب را فراهم سازند.

ما اگرچه این توطئه‌های خائنانه را افشا کرده و ماهیت مزورانه رویزیونیستها را برملا میکنیم. ما اگرچه موضعگیری اخیر سازمان مجاهدین علیه رویزیونیستهای حزب توده و چریکهای فدائی اکثریت را یک گام مثبت ارزیابی کرده و مسرور میباشیم، اما هرگز نمیتوانیم نسبت به انحراف مجاهدین در قبال لیبرالهای ضد انقلابی چشم‌پوشی نمائیم. چراکه منظر ما عدم مرزبندی روشن مجاهدین با لیبرالهای خیانت پیشه بزرگترین خطری است که این سازمان ضد امپریالیستی را تهدید مینماید. مجاهدین در پاسخ خود به رویزیونیستها در مقاله "جبهه متحد ارتجاع" (مجاهد ۱۰۳) حتی یک موضعگیری انقلابی و قاطع نیز علیه لیبرالها اتخاذ نکرده‌اند و بطور سرشکارانه از کنار مسئله لیبرالها گذشته‌اند، و این همان انحرافی است که اتفاقا رویزیونیستهای اکثریت زمینه حمله ضد انقلابی خود به مجاهدین قرار داده‌اند.

فدائیان اکثریت از این انحراف مجاهدین سودجسته و با حمله به لیبرالهای ضد انقلابی کوشیده‌اند بصورت عوامفریبانه خود را ضد لیبرال و ضد سرمایه‌داری بزنند. در همین مقاله فوق الذکر، در واقع رهبری مجاهدین کوشیده است تا بزرگترین مسئله مورد مشاجره درباره سازمان خود را آگاهانه مسکوت بگذارد و این چیزی نیست که بزیان جنبش دمکراتیک ـ ضد امپریالیستی خلقهای ایران است. ما در عین حال که با برخوردهای اکثریت بمثابه یک نیروی ضد انقلابی مرزبندی داشته و موضع آنان در برخورد به انحراف مجاهدین در قبال لیبرالها را ضد انقلابی ارزیابی میکنیم، ما در عین حال که سازمان مجاهدین خلق را یک نیروی ضد امپریالیستی و در جبهه انقلاب ارزیابی می‌نمائیم، اما نمیتوانیم بر انحراف دوستان مجاهد چشم پوشیم. در اینجا خطاب ما بدوستان مجاهد است. بیم ما از آنست که اگر انحراف خود را طرد ننمایند، ضربات مهلکی را متوجه سازمان خود و جنبش دمکراتیک ـ ضد امپریالیستی خلق خواهند ساخت.

جیزی نمیخواهیم جز اینکه حداقل همین حقوقی که قانون اساسی برسمیت شناخته مورد ما هم رعایت شود، تا ما هم بتوانیم با فراغ بال در کنار مردم بوظائف اسلامی و انقلابی خودمان در جهت حراست از میهن و انقلاب و مکتب بپردازیم. امیدواریم جنابعالی در این زمینه توصیه‌های لازم را بمقامات و مسئولین مملکت بفرمائید..."
(مجاهد شماره ۱۰۳)

آیا واقعا برای منتظری که شما بدرستی سیاست عوامفریبانه او را نسبت بخود افشا کرده‌اید، درست است که بگوئید مظلوم هستید؟ و اساسا مظلوم بودن یعنی چه؟ مسئله مبارزه طبقاتی است مسئله مبارزه علیه ضد انقلاب است. باید سر را افراشته نگاه داشت. آیا واقعا توده‌های انقلابی سازمان شما اجرای قانون اساسی ارتجاعی و رعایت حقوق شما از طرف دولت را میخواهند؟ آیا از منتظری باید خواست تا برای انقلابیون در نزد ارتجاع توصیه نماید مگر ارتجاع برخلاف ماهیت طبقاتی خود میتواند عمل کند؟ براستی دوستان مجاهد آیا این سیاست یک سیاست رفرمیستی و لیبرالی نمیباشد آیا نباید بطور قطع از همه بخشهای ارتجاع دل کند و توده‌ها را بر پایه مشی انقلابی بسیج نموده و براه انقلاب هدایت نمود؟

ما جواب میدهیم، آری، یک نیروی انقلابی باید با عتبار حقانیت تاریخی و با عتبار انقلابی بودنش، هرگز در مقابل ارتجاع و ستمگرانی که خون توده‌ها را به شیشه میکنند، سر خم نکند و از وی التماس و تظلم خواهی ننماید. ما هرگز نه از دشمنان توده‌ها انتظار ترحم و بذل و بخشش داریم و نه چنین شیوه‌ای را راه و رسم انقلابیون و مدافعین توده‌ها میشناسیم. اگر براستی چنین است که دشمن با عتبار ماهیت ضد انقلابی‌اش به توده‌ها رحمی نمیکند، دیگر تعارف و ممانعات با آن چه مفهومی میتواند داشته باشد؟ مگر همین تجربه دو ساله بعد از قیام که طی آن دشمن صدها بار به کشتار و سرکوب توده‌ها و انقلابیون و کمونیستها برخاسته است،

● مخالفت رویزیونیستهای فدائی با لیبرالها به این خاطر است که بین دو زدها یعنی حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها اختلاف است و اکثریتی ها طرفدار دو زدها و شیادان حزب جمهوری می باشند. مخالفت رویزیونیستهای فدائی با لیبرالها به این خاطر است که سوسیال امپریالیسم شوروی با لیبرالها که طرفدار امپریالیستهای اروپائی و آمریکائی می باشند، سیاه خوبی ندارد و اکثریتی ها مدافع امپریالیسم روس می باشند. مخالفت رویزیونیستهای فدائی با لیبرالها از یک موضع انقلابی و ضد سرمایه داری نیست، این مخالفت از یک موضع رویزیونیستی، بورژوائی و ضد انقلابی است. این مخالفت از موضع دفاع از حزب ارتجاعی جمهوری و امپریالیستهای شوروی می باشد.

تاریخ یکبار دیگر حقانیت کمونیستها را ثابت میکند

دوستان مجاهد خلق!

سازمان شما بسبب بکسری انحرافات راست روانه در برخورد به رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی پیوسته دچار ناپیگیری و تزلزل بوده است. سازمان شما بجای برخورد انقلابی بدولت و به جای افشای همه بخشهای حکومت ضد خلقی و منجمله لیبرالها، شدیدا دستخوش محافظه‌کاری و عدم قاطعیت بوده است و این امر سبب شده تا بتدریج وقدرت مبارزاتی توده‌های سازمانی و هواداران شما بطور کامل شکوفا نگردد. این ناپیگیریها بجای ایجاد یک روحیه تعرضی علیه حکومت، یک روحیه سازش طلبانه را رواج داده است. شما بجای آنکه آشکارا رژیم را در نزد توده‌ها افشا کرده و ماهیت ضد مردمی آنرا برملا نمائید، به کرات عدم صراحت و مظلوم‌نمائی را پیشه خود کرده‌اید. شما بارها کوشش کرده‌اید تا برخی از محافل ضد انقلابی رژیم حاکم بدادشما رسیده، تا بدین ترتیب رژیم تحت فشار قرار گرفته و شما را مورد اذیت و آزار قرار ندهند. نمونه همین مسئله نامه اخیرشما بمنتظری میباشد. شما نوشته‌اید:

"بخدا ما در این مملکت خیلی مظلوم واقع شده‌ایم... از اسلامیت هم که بگذریم، بهر حال در این مملکت حساب و کتاب و قانون وضع شده است، حتی غیر مسلمانها هم حقوقشان مشخص و تعیین شده است. ما هم

پیش بسوی ایجاد حزب طبقهٔ کارگر

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

نمیتواند برای درس آموزی از آن کافی باشد؟ آری، با بدبا دشمن طبقاتی سازش ناپذیر بود، از آن کوچکترین ترحمی انتظار نداشت و کوچکترین رحمی هم باو نکرد.

دوستان مجاهد!

سیاست امروز شما ریشه در گذشته دارد و برخورد مماشات جویانه شما به لیبرالهای خائن ریشه در برخورد شما به کل طبقه حاکم دارد. در همانزمان که کمونیستهای پیگیر دولت بازرگان را بمثابه یک دولت ضد انقلابی در میان توده‌ها افشا میکردند، سازمان شما دولت بازرگان را "ملی" جلوه میداد. درهمان زمان که کمونیستها همدستی خمینی را در سرکوب خلق افشا مینمودند، سازمان شما در مورد خمینی هیچگاه افشاگری نکرده و او را "ضد امپریالیست ومبارز" وانمود میساخت. درهمانزمان که کمونیستها عاملین کشتار خلق کرد و ترکمن وکمونیستها و انقلابیون، یعنی حزب جمهوری ولیبرالها را برملا میکردند، سازمان شما سکوت اختیار نموده بود. درهمانزمان که کمونیستهای پیگیر اهداف ضد انقلابی هیات حاکمه را از اشغال سفارت افشا کرده وهیچگونه خصلت ضد امپریالیستی برای آن قائل نبودند، سازمان شما این اقدام را "ضد امپریالیستی" تلقی کرده و دانشجویان پیرو خط امام را وسیعا مورد تایید وحمایت خود قرار داد. درهمان زمان که کمونیستها توطئه ارتجاعی رژیم علیه دانشگاه را افشا کرده ودر مقاومت دانشگاهها بطور فعال شرکت کردند، سازمان شما زیر فشار دولت اعلام نمود که مراکز دانشگاهی خود را میبندد و سپس در مقاومت انقلابی شرکت ننمود. درهمان زمان که کمونیستها انتخابات مجلس را بصحنه دیگری از افشاگری تبدیل کرده وماهیت مجلس بورژوائی را برملا میساختند وهمچنان برانقلاب بعنوان راه رهائی توده‌ها تکیه مینمودند، سازمان شما شدیدا دچار سیاستهای لیبرالی بوده وچنین وانمود میساخت که گویا باورود نیروهای انقلابی به مجلس "آینده ایران مسیر دیگری" خواهد یافت (مجاهد ۲۳،۲۳ بهمن ۵۸) وبالاخره زمانیکه کمونیستها وازجمله سازمان ما لیبرالها را همپای دیگر مرتجعین بعنوان دشمنان خلق افشا مینمودند وچهره بنی‌صدر خائن وروبا هصفت را بمثابه نماینده سرمایه داران لیبرال برملا میساختند، سازمان شما با لیبرالهای خائنی نظیر "حاج سیدجوادی" در چارچوب "شورای معرفی کاندیداهای انقلابی و ترقیخواه" همکاری کرده، از لیبرالهائی چون لاهیجی پشتیبانی نمود و آرزو میکرد که "آقای بنی صدر بهیچوجه در دام ارتجاع ولیبرالیسم نیفتد و الا ساس قدرت و پایه حکومت خود را نیز متزلزل خواهد نمود" (مجاهد ۲۲- ۱۶ بهمن ۵۸) ومتقابلا سازمان ما را که مشی قاطع وپیگیر را تبلیغ میکرد، دچار "چپ روی" میدانست.

درتمام موارد فوق تاریخ ثابت نمود که حقانیت با کمونیستها وسازمان ما بوده وآنان بدرستی وبا قاطعیتی تمام ارتجاع را رسوا کرده وتوده‌ها را بانقلاب فراخواندند. کمونیستهای پیگیر بدون محافظه کاری وتزلزل هیچگاه اجازه ندادند که جنایات بورژوازی پنهان بماند. سیاست کمونیستها مطلوم نمائی در پیشگاه "بالائیها" نبوده ونیست. کمونیستها بمبارزه طبقاتی توده‌ها اتکا دارند و بس.

سیاست کمونیستها تکیه بر یک جناح از بورژوازی نبوده ونیست، کمونیستها فقط به انقلاب وقدرت لایزال توده‌ها ایمان دارند و بس.

امروز که لیبرالهای خائن میکوشند جنبش خلق را بانحراف کشانند، یکبار دیگر کمونیستهای پیگیر بمبارزه فعالانه برخاسته‌اند تا این ضد انقلابیون را رسوا نمایند. افشای این خائنین ضرورتی است که بدوش کمونیستها وهمه انقلابیون ضد امپریالیست قرار دارد اما متاسفانه دوستان مجاهد! سازمان شما باز هم شدیدا دستخوش تزلزل وانحراف میباشد. در دوره اخیر سازمان شما اگرچه نه بطور رسمی، اما بهرحال مجازشمرد که هواداران تان در برخی تظاهرات بنفع لیبرالها شرکت نمایند، سازمان شما به دستگیری قطب زاده مرتجع اعتراض کرد سازمان شما خیانتهای لیبرالها را افشا نکرده و جنایاتشان را مسکوت گذارده است. این امر آشکارا بزیان جنبش دمکراتیک وضد امپریالیستی خلقهای ماست. امروز باید بیش از هرزمان دیگر به توده‌ها گفت که لیبرالها کیستند وچه اهداف خائنانه‌ای را تعقیب میکنند.

لیبرالهای خائن کیستند؟

همانطور که میدانیم لیبرالها بخشی از سرمایه داران میباشند که سیاست چماق ونان شیرینی دارند. آنها اگرچه با برخی سیاستهای انحصار طلبانه حزب جمهوری اسلامی مخالفند، آنها اگرچه با برخی سیاستهای حزب در برخورد به معضلات جامعه مخالفند، اما این اختلافات در چارچوب ضد انقلاب حاکم قابل توضیح میباشد لیبرالها هیچ اختلافی در مورد بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته با حزبیها ندارند. اختلاف آنها با یکدیگر در این است که این بازسازی به چه شیوه‌ای عملی گردد. در سراسر دورانی که لیبرالها در راس امور بوده‌اند، آنها هیچگاه مخالف فردادهای امپریالیستی نبوده‌اند و بپای لغو این پیمانها نرفته‌اند. لیبرالها هیچ اختلافی در مورد سرکوب انقلاب توده‌ها با حزبیها ندارند. اختلاف آنان در چگونگی برخورد به جنبش بسیار فرعی و ناچیز است. آیا واقعا دولت مرتجع بازرگان نبود که به کردستان حمله کرد و توده‌ها را بخون کشید؟ آیا واقعا بنی‌صدر حیله گر نبود که بطور مستقیم در سرکوب ترکمن صحرا و کردستان شرکت نمود؟ آیا واقعا لیبرالها نبودند که در مورد ضرب وشتم انقلابیون وکمونیستها و تیراران کمونیستها و بستهادت رساندن مجاهدین با مستقیما دست داشتند و یا مسئله را بسکوت گذراندند؟

بنابراین میبینیم که لیبرالها در حفظ سیستم حاکم و در سرکوب انقلاب هم‌پیمان سایر بخشهای هیات حاکمه‌اند. آنان دشمن توده‌ها بوده واگر امروز از "آزادیخواهی" صحبت میکنند برای فریب مردم وبرای سوارشدن بر جنبش است. آنان از "آزادیخواهی" صحبت میکنند، درحالیکه چهارنعل بسوی امپریالیستهای غربی به پیش میروند. لیبرالها مکار میکوشند با "بحث آزاد" و "بحث تلویزیونی" جنبش را بانحراف بکشانند و نیروهای متزلزل را خنثی وجذب بورژوازی نمایند. اما آنان درهمان زمان که شیرینی در دست دارند، وحشیانه به انقلاب ونیروهای پیگیر حمله ور میشوند. لیبرالها از "زیاده روی" حزبیها مینالند و از یکه حزبیها میخواهند همه قدرت را یکف گیرند،

- تنها خائنین به طبقه کارگر و کسانیکه در پی سازش دادن جنبش با ارتجاع میباشند، دولت حاضر را "ضد امپریالیست" میخوانند. دولت حاکم یک دولت ارتجاعی وضد مردمی است وهرکس که بگوید کارگران از این دولت باید پشتیبانی کنند، به آزادی واستقلال وبه انقلاب خیانت کرده است. حمایت از این دولت یعنی حمایت از امپریالیسم و حمایت از جلادان خلقهای سراسر ایران. حمایت از این دولت یعنی نفی مبارزه طبقاتی، یعنی نفی مبارزه ضد امپریالیستی.
- مبارزه علیه لیبرالها از مبارزه علیه حزب جمهوری و کل رژیم جمهوری اسلامی جدا نمی باشد و به همین دلیل مبارزه "ضد لیبرالی" رویزیونیستهای فدائی یک دروغ شیادانه است.

دعوای لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی، جنگ قدرت میان دشمنان توده‌هاست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

پیکار

سال دوم ضمیمه شماره ۸۸
دوشنبه ۱۵ دی ۵۹

خشمناک هستند. اما آنان از انقلاب توده‌ها وحشت دارند. آنان میکوشند تا جنبش را به انحراف کامل بکشانند و تا آنجا که در توان دارند و بشدیدترین شکل، آنرا سرکوب نمایند.

حال در شرایط حاضر و در زمانیکه لیبرالها میکوشند از اعتراضات و نارضایتی توده‌ها به نفع خود استفاده برند، چه باید کرد؟ آیا انقلابیون باید به توده‌ها بگویند که لیبرالها از حزب‌بیها بهترند؟! آیا انقلابیون باید از برخی سیاستهای لیبرالی لیبرالها ذوق زده شده و منافع انقلاب را فراموش کنند؟ آیا انقلابیون باید به مخالفتهای لیبرالی لیبرالها دلخوش کرده و عملا چشم از مبارزه توده‌ها و قدرت لایزال آنها بپوشند؟ مجاهدین خلق باید باین سئوالات پاسخ گویند.

تاریخ در برابر ماست. آیا در فوریه ۱۹۱۷، این بورژوازی لیبرال نبود که با غصب قدرت همان سیاست امپریالیستی رژیم تزاری را ادامه داد؟ یعنی مناسبات و اتحاد با سایر امپریالیستها را حفظ کرد، جنگ امپریالیستی را ادامه داد و مردم را که مانکان در فقر و فلاکت و گرسنگی نگاهداشت؟ در روسیه، لیبرالها مخالف "خودسریها و حکومت مطلقه" بودند، اما خود نماینده‌ٔ چه طبقه‌ای بودند و بچه راهی قدم گذاشتند؟ خیانت آنان بجنبش کارگری و انقلابی روسیه نه تنها باید مورد توجه کمونیستها در برخورد به لیبرالها، بلکه باید مورد توجه دمکراتهای انقلابی نیز قرار گیرد.

در زمان رژیم شاه، بورژوا لیبرالها چه کردند؟ مگر نه اینکه آنان مخالف قهر انقلابی بودند؟ در زمان قیام آنان چه کردند؟ مگر نه اینکه بخشهائی با نمایندگان امپریالیسم آمریکا و ارتش شاهنشاهی به ساخت و باخت مشغول بودند و بالاخره قیام را در نیمه راه متوقف ساختند؟ و مگر نه اینکه سرسخت‌ترین و قویترین مدافعان سیستم کهنه ارتش شاهنشاهی، ساواکیها و ... بودند؟ و مگر نه اینکه تا امروز در کنار بخشهای هیات حاکمه مانند حزب جمهوری و اشخاصی مانند آیت‌الله خمینی به جنایات خود ادامه داده‌اند؟ بختیاریها، نزیه‌ها، مراغه‌ای‌ها، مدنی‌ها، امیرانتظامها و ... چه کسانی بودند؟ چه کردند؟ و امروز در آغوش چه کسانی جای گرفته‌اند؟ آیا این مسائل اسفاقی بودیا ناشی از ماهیت لیبرالهای خائن؟

واقعا چرا مجاهدین اینهمه درس رسمی آموزند و اینهمه جنایات را با چشم باز نمی‌بینند؟ آیا خلق ما باز هم باید بهای خیانتهای لیبرالها را بپردازد؟ آیا خلق ما نباید برای همیشه با سیاستهای سازش قطع رابطه کند؟ و اگر جواب مثبت است (که هست)، پس وظیفه‌ٔ نیروهای ضد امپریالیست و از جمله سازمان مجاهدین خلق چیست؟ مجاهدین خلق باید باین سئوالات پاسخ گویند.

دو راه در برابر مجاهدین

امروز لیبرالهای خائن که در موضع ضعف قرار گرفته‌اند به مجاهدین چشمک میزنند تا آنان را به حمایت از خود بکشانند و متاسفانه رهبری مجاهدین با سیاست مماشات جویانه‌ٔ خود اجازه میدهد تا لیبرالها روی مجاهدین حساب کنند.

> ● اگر قبول داریم که شیوه تولید حاکم در ایران سرمایه داری بوده و این سرمایه داری اساسا محصول نفوذ امپریالیسم جهانی است و بنابراین وابسته می‌باشد و اگر قبول داریم که در ایران در شیوه تولید سرمایه داری سرمایه داران در همین شیوه تولید حاکم به استثمار گران پرداخته و ارزش اضافی استخراج می کنند و به بازتولید می پردازند، بدین ترتیب روشن است که در اینصورت صحبت از "سرمایه‌داران ملی" جز بیان حماقت و چاکری بورژوازی چیز دیگری نخواهد بود.

مجاهدین باید بدانند که چشمک لیبرالها و لبخندهای مزورانه‌شان حکایت از سیاست بدام انداختن میکند. رفیق استالین میگوید:

"اگر دشمن با ما به شیرینی سخن میگوید و وعده‌ٔ "حقوق" ما معینی را میدهد، بیانگر این است که او در حال دام گذاردن علیه ما است و میخواهد ما با دستهای خود قلعه‌ٔ محکمی برای او بسازیم. از بورژوا لیبرالها چیزی بهتر از این انتظار نداریم." (ی. استالین بورژوازی دام میگسترد- اکتبر ۱۹۵۰)

حال آیا سازمان مجاهدین همچنان اجازه خواهد داد تا بورژوازی لیبرال با دستهای مجاهدین، قلعه‌ٔ محکمی برای مجاهدین و سایر انقلابیون بسازد؟ و در توطئه‌های ضد انقلابی علیه جنبش خلق از سکوت مجاهدین برخوردار باشد؟

دوستان مجاهد!

شما برخلاف خواست ارتجاع و رویزیونیستها بخصوص در دوره‌ٔ اخیر، تا حدی به تعمیق مبارزه خود پرداخته‌اید... افشای محدود و بسیار دیر ماجرای اشغال سفارت و افراد منفوری مانند بهشتی، افشای سرکوب انقلابیون و شکنجه در زندان، دستگیری مجاهدین و اتهامات دروغین ارتجاع، افشای سانسور و انتشار مجدد نشریه مجاهد، موضعگیری علیه حزب توده و اکثریتیها و افشای توطئه آنان علیه مجاهدین و ... آری تمام این موارد جلوه‌های روشن تعمیق حرکت مبارزه‌جویانه‌ٔ مجاهدین است. این امر هم باعث شده که نمیتوانند نفرت و کینه‌ٔ ارتجاع و رویزیونیستها را برنیانگیزد، در همان حال نمیتواند مورد سرت و استقبال انقلابیون کمونیست و توده‌های آگاه خلق قرار نگیرد. این موضعگیریها و اقدامات، همه بنفع انقلاب و بضرر دشمنان انقلاب است. اما هرگز فراموش نکنیم برای آنکه واقعا قاطعانه در راه انقلاب پیش رویم، میبایست مبارزه را علیه همه بخشهای هیات حاکمه و همه امپریالیستها ادامه دهیم. اما متاسفانه سیاست انحرافی شما در قبال لیبرالهای مرتجع عملا زگسترش جنبش دمکراتیک - ضد امپریالیستی جلوگیری نموده است.

دوستان مجاهد!

اکر این کرایش تا پیکیر همچنان ادامه پیدا کند و شما نتوانید سیاستی انقلابی را در قبال لیبرالها بکار گیرید، بیشترین سود را از این امر لیبرالها خواهند برد و در ضمن حزبیها و رویزیونیستهای خروشچفی نیز امکان خواهند یافت تا به جنبش خلق و مجاهدین خلق ضربه بزنند.

همانطورکه قبلا گفتیم، ما مرزبندی روشنی با درک رویزیونیستهای فدائی در مورد لیبرالها داریم. آنان افشای لیبرالها را از آن جهت مطرح میسازند که حزب جمهوری را آرایش نموده و دولت ایران را بسوی سوسیال امپریالیسم جهت بخشند. حال آنکه ما افشا و مبارزه علیه لیبرالها را از افشا و مبارزه علیه کلیه بخشهای هیات حاکمه جدا نکرده و افشای لیبرالهای خائن را از زاویه افشای خطر برای جنبش توده‌ها و تعمیق انقلاب توده‌ها مطرح میسازیم. ممکن است از ما سئوال شود بالاخره کدام یک از دو جناح ضد انقلاب بهتر است؟ جواب ما کمونیستها روشن است. هر دو جناح ضد انقلاب بدترند. جناح حزب بدتر از لیبرالها است و جناح لیبرالها بدتر از حزب است. ما برای هیچ بخشی از ارتجاع امتیاز قائل نمیشویم. ما به توده‌ها میگوئیم همه جناحهای حاکم دشمن انقلاب می‌باشند. ما به توده‌ها درس آشتی‌ناپذیری میدهیم و آنها را برای انقلاب آماده میکنیم. ما به توده‌ها میگوئیم بهیچ یک از جناحهای ضد انقلاب نباید دل بست. ما به توده‌ها میگوئیم نسبت به هیچیک از جناحات لیبرالها، حزبیها و سران رژیم جمهوری اسلامی نباید گذشت داشت. ما به توده‌ها میگوئیم تنها راه رهائی، سرنگونی رژیم حاکم و تحقق امر انقلاب است. این تنها راه درستی است که همه‌ٔ انقلابیون باید آنرا طی نمایند.

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

دوستان مجاهد خلق!

با توجه بچنین سیاستی است که از نقطه نظر سازمان ما دوراه در برابر شما قرار دارد: یا مماشات با لیبرالها و در نتیجه عدم مبارزه انقلابی با رژیم حاکم و بنابراین نفی انقلاب و یا مبارزه انقلابی علیه لیبرالها و پیوند دادن این مبارزه بمبارزه علیه کل رژیم حاکم و همه جناحهای مرتجع آن و در نتیجه تاکید بر راه انقلاب، مطمئن باشید تا زمانیکه موضع خود را در قبال لیبرالها تصحیح نکرده و همچنان بسیاست سازشکارانه نسبت به لیبرالها ادامه دهید، مبارزه شما از یک مبارزه انقلابی برخوردار نخواهد بود. یک مبارزه انقلابی مبارزه ایست که علیه کل هیات حاکمه باشد، مبارزه ای است که در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باشد، مبارزه ای که در راه تحقق انقلاب توده ها باشد. آیا در حال حاضر شما چنین سیاستی را در پیش گرفته اید؟ شما هنوز که هنوز است نوعی "مشروعیت" برای این رژیم ارتجاعی قائل هستید. شما هنوز که هنوز است یک موضع روشن علیه خمینی اتخاذ نکرده و در سطح جامعه نبرده اید و شما متاسفانه در مقابل لیبرالها شدیدا تا بیگیر میباشید. پس دوستان مجاهد! قبول کنید که سیاست شما در قبال رژیم حاکم، یک سیاست انقلابی نیست، سیاستی است که نه در جهت سرنگونی رژیم، بلکه در جهت انتقاد به رژیم و وارد کردن اطلاعات در سیستم حاکم است. شما هنوز بضرورت سرنگونی رژیم حاکم نرسیده اید و تا زمانیکه باین نقطه از تعمیق مبارزه نرسیده اید، سیاستی انقلابی را تعقیب نمیکنید. شما از جناحی از حاکم میخواهید تا کمتر جنایت کنند، شما در پی آن نیستید تا توده ها این جنایتکاران را طی یک مبارزه انقلابی سرنگون و نابود نمایند. حال آنکه جنبش ضد امپریالیستی خلق ما چنین میطلبد.

با بدسیاست محافظه کارانه ایکه برپایه محاسبه اختلافات درون ارتجاع استوار است را بدور انداخت و بجای آن سیاست انقلاب را نشاند یک سیاست انقلابی مبنای خود را بر پایه تضاد درون باندهای ارتجاع قرار نخواهد داد، یک سیاست انقلابی مبنای خود را بر اساس تضاد آشتی ناپذیر میان تمام توده های تحت ستم و بورژوازی استوار خواهد ساخت. سیاستی که تا بحال شما در قبال کل رژیم و بخصوص لیبرالها بکار گرفته اید بطور صریح و روشن از یک مضمون انقلابی بدور بوده و جز یک سیاست رفرمیستی و لیبرالی چیز دیگری نبوده است.

پیام ما بشما دوستان مجاهد اینست که لیبرالهای خائن را افشا کنید و خط فاصل روشنی میان خود و بمثابه یک سازمان ضد امپریالیست و لیبرالها بمثابه متحدان امپریالیسم جهانی بکشید. این مبارزه را بمثابه بخش تفکیک ناپذیر از مبارزه علیه کل هیات حاکمه ایران در نظر بگیرید و مبارزه ای را علیه کل رژیم جمهوری اسلامی پیش ببرید و بروشنی واضح است که چنین مبارزه ای انقلابی و قاطعی از مبارزه علیه کل امپریالیستها و از جمله شوروی جدا نمیتواند باشد.

ارتجاع و رویزیونیستها تعیین کننده سیاست شما در قبال کمونیستها باشد. از آنجاکه کمونیستها پیگیرترین دشمنان بورژوازی و رویزیونیستها میباشند، اینان پیوسته کوشیده اند تا کمونیستها را منفرد ساخته و سرکوب نمایند، اما در طول تاریخ کمونیستها با تلاشی پیگیر،

● امروز شوروی کنونی، دیگر شوروی سوسیالیستی به رهبری لنین و استالین نیست که نزدیکی برادرانه با آن، نشانه ارتقیخواهی باشد. هر نیرو و کشوری که در کنار شوروی تحت رهبری لنین و استالین قرار داشت، لاجرم در کنار امپریالیستها و مرتجعین جهانی جای داشت. اما امروز اوضاع تغییر یافته است. شوروی سوسیالیستی و پشتیبان انقلاب خلقها به شوروی امپریالیستی و پشتیبان ارتجاع تبدیل شده است. امروز واقعیت اینستکه مبارزه علیه امپریالیستهای آمریکائی، اروپائی و ژاپنی از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم شوروی بهیچوجه جدا نمی تواند باشد. کسانی که در مقابل شوروی کنونی تزلزل بخرج دهند، آینده خطرناکی در برابر آنان قرار دارد و این هشداری است از جمله برای سازمان مجاهدین خلق.

پیام ما به مجاهدین

پیام ما بشما دوستان مجاهد اینست که مرزبندی خود را نسبت به رویزیونیستهای خائن چریکهای فدائی (اکثریت) و حزب توده از یکطرف و سه جهانیها از سوی دیگر تدقیق و روشن نموده و موضع خود را مستحکمتر علیه این خائنین بخلق اعلام دارید. امروز سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) مذبوحانه میکوشد تا سازمان شما را بصف بورژوازی کشانده و آنرا از جنبش خلق جدا سازد. شایسته است که اینان را بمثابه نوکران بورژوازی از خود طرد نمائید، زیرا مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم هرگز و هرگز از مبارزه علیه رویزیونیستها جدا نخواهد بود. مبارزه علیه رویزیونیستها فقط مربوط به کمونیستها نیست. این مبارزه متعلق بتمام نیروهای مترقی و انقلابی است. چراکه رویزیونیستها نه فقط بازمان سوسیالیستی پرولتاریا بلکه به دمکراسی توده ای، آزادی و استقلال خیانت کرده و میکنند.

پیام ما بشما دوستان مجاهد اینست که مناسبات خود را با نیروهای کمونیست را بنحو متحول ساخته و فعال نمائید و نگذارید تبلیغات پیوسته توطئه های بورژوازی را خنثی نموده، پیوند خود را با توده های کارو زحمت استوار ساخته و متحدا با دیگر نیروهای انقلابی در راه انقلاب به پیش رفته اند. منافع جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق ما میطلبد تا صفوف نیروهای کمونیست و انقلابی میهن ما هر چه بیشتر مستحکمتر گردد. منافع خلقهای کبیر ما میطلبد تا در برابر ارتجاع تنی واحد باسم مطمئن باشیم که تحکیم صفوف ضد امپریالیستی رویزیونیستها و ارتجاع را بوحشت انداخته و گامهای توده های خلق را پرطنین تر خواهد ساخت. عدم پاسخگوئی باین ضرورت فقط بنفع امپریالیسم، بورژوازی و رویزیونیستهاست.

آری، مبارزه طبقاتی بپیش میرود و جنبش او جگیرنده توده ها سنگر بسنگر دشمن را عقب می راند. در افق، صدای گامهای انقلاب میآید و طنین گامهایش بورژوازی را برعشه انداخته است. بورژوازی به تمرکز قوا دست زده، اما ناتوان است. سکهای سکهبان بورژوازی یعنی رویزیونیستها، علیه انقلاب پارس میکنند. اما خبر آنند. آیا بورژوازی، قوای سرکوب و سکهای نگهبانش میتوانند از انفجار آینده جنبش توده ها جلوگیری کنند؟ آیا آنها میتوانند از فرو ریختن محتوم نظام کهن و برقراری نظمی نوین ممانعت بعمل آورند؟ نه هرگز! لنین آموزگار زحمتکشان جهان میگوید:

"نیروی واقعی محرکه تاریخ مبارزه انقلابی طبقات است"

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

پیکار

سال دوم ضمیمه شماره ۸۸
دوشنبه ۱۵ دی ۵۹

وا مبروز مبارزه انقلابی خلقهای ایران
سیروی محرکه اینست که در پی سرنگونی بورژوازی
ارتجاعی و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق و

بدنبال آن سوسیالیسم میباشد. بکوشیم تا
این مبارزه انقلابی به هدف مقدس خود نائل گردد!
برافراشته نگه داریم پرچم انقلاب سوده ها!

مستحکم باد صفوف شوراهای کمونیست و انقلابی!
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org